

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال اول ۹۵-۹۴
رشته فلسفه ورودی مهر ۹۴

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۱۴	محل: ۷۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد آزمون:	۳۹۴۱/۰۷
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۳
عنوان:	فلسفه اسلامی ۵
کتاب:	نهایة الحکمة
مجموعه:	جلد چهارم: مرحله دوازدهم (ص ۱۲۵۶-۱۰۳۹)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علی: شهرتان: استان:

۱- وجه نام‌گذاری برهان صدیقین چیست؟ ص ۱۰۴۱ س ۸

- الف. علم حضوری به خداست.
- ب. معرفت بدون واسطه است.
- ج. از معلول به علت می‌رسد.
- د. از علت به معلول می‌رسد.

۰/۵

۲- چرا واجب تعالی، مماثل ندارد؟ ص ۱۱۰۳ س ۳

- الف. چون نوع ندارد.
- ب. چون کیف ندارد.
- ج. چون جنس ندارد.
- د. چون مضاف نیست.

۰/۵

۳- نظریه معتزله و تالی فاسد آن پیرامون صفات ذاتیه خداوند کدام است؟ ص ۱۱۱۹ س ۳

- الف. زاید بر ذات ولی قدیم، تعدد واجب تعالی
- ب. زاید بر ذات، مرکب بودن ذات واجب تعالی
- ج. حدوث صفات، معلول بودن ذات واجب تعالی
- د. نیابت ذات از صفات، فقدان ذات واجب از کمال

۰/۵

۴- بر اساس نظریه حکماء، قضاء و قدر از مراتب کدام یک از صفات واجب تعالی است؟ ص ۱۱۳۷ س ۱

- الف. حیات
- ب. قدرت
- ج. خالقیت
- د. علم

۰/۵

۵- گزینه صحیح پیرامون شر را مشخص کنید. ص ۱۲۰۶

- الف. شر وجود تبعی هم ندارد.
- ب. شر وجود بالاصاله دارد.
- ج. شر مقصود عرضی است.
- د. شر مطلقاً در قضاء الهی نیست.

۰/۵

۶- کدام حدوث، مختص عالم مادی است؟ ص ۱۲۴۹ س ۲

- الف. حدوث ذاتی
- ب. حدوث زمانی
- ج. حدوث دهری
- د. حدوث به حق

۰/۵

۷- برهان طبیعینون از راه حرکت و تغیر بر اثبات وجود واجب تعالی را تقریر کنید. ص ۱۰۵۷ س ۴۱-۲ نمره

۲

جواب: این برهان به این شرح است که در بحث قوه و فعل ثابت شده که محرک غیر از متحرک است. بنابر این هر متحرکی باید محرکی غیر از خود داشته باشد و آن محرک اگر خودش نیز متحرک باشد نیاز به محرکی غیر خود دارد. در نتیجه برای آن که دور یا تسلسل لازم نیاید زنجیره محرک‌ها باید به محرکی که خود متحرک نباشد منتهی شود. و آن محرک غیر متحرک از آن‌جا که ساحت وجودش از ماده و قوه مبری بوده و دگرگونی و تحول در آن راه ندارد و هستی‌اش از ثبات برخوردار است واجب الوجود بالذات است و یا در سلسله علل خود سرانجام به واجب الوجود بالذات منتهی می‌شود.

۸- برهان نفی اجزاء از واجب تعالی در عبارت «لو كان له جزء لكان متقدماً عليه في الوجود و توقف الواجب عليه في الوجود، ضرورة تقدم

الجزء على الكل في الوجود و توقف الكل فيه عليه» را شرح دهید. ص ۱۰۷۶ س ۲-۱ نمره

۱

جواب: اگر واجب تعالی دارای جزء باشد آن جزء تقدم وجودی بر واجب خواهد داشت و وجود واجب تعالی متوقف و وابسته به آن جزء خواهد بود زیرا وجود جزء بالضرورة بر وجود کل تقدم دارد و وجود کل قطعاً متوقف بر وجود اجزایش است در صورتی که تأخر واجب الوجود از چیزی و توقفش بر آن با وجوب وجود سازگار نیست و در نتیجه محال است که جزء داشته باشد.

۲

۹- بیان مصنف (ره) در شرح «برهان فارابی بر توحید واجب» را بنویسید. ص ۱۰۸۹ و ۱۰۹۰ س ۷-۲ نمره

جواب: علامه فرموده‌اند شاید مقصود فارابی این باشد: اگر واجب بالذات متعدد باشد کثرت مقتضای ذات آن نیست؛ زیرا اگر چنین باشد لازمه‌اش این خواهد بود که مصداقی برای واجب تحقق نیابد بیان مطلب اینکه اگر کثرت مقتضی ذات واجب باشد هر چه به عنوان مصداق برای آن فرض شود کثیر خواهد بود در حالی که کثیر بدون آحاد محقق نمی‌شود. در این صورت چون بنابر فرض هیچ واحدی مصداق واجب نیست کثیر نیز تحقق نمی‌یابد لذا واجب در حالی که واجب‌الوجود است فاقد مصداق خواهد بود. حال که کثرت مقتضای ذات واجب تعالی نیست باید مقتضای امری بیرون از ذات باشد این هم محال است زیرا مستلزم «نیازمندی واجب» به غیر می‌شود که با وجوب ذاتی جمع نمی‌شود.

۱۰- دلیل نظریه کسانی را که می‌گویند: «واجب تعالی علم به ذاتش دارد ولی علم به معلولات ندارد» ذکر کرده و اشکالات آن را بنویسید.

۲

ص ۱۱۲۷ س ۵-۲ نمره

جواب: دلیل این نظریه این است که واجب تعالی موجودی است ازلی و هر معلولی حادث است و چون علم تابع معلول است لذا علم به معلول پیش از حدوث تعلق نمی‌گیرد. (۱ نمره)

اشکالات: ۱. علم ازلی به معلول موجب آن نیست که معلول در ازل با وجود خاص خودش موجود باشد. (۵/۰ نمره)

۲. این نظریه مبتنی بر آن است که علم حضوری منحصر است در علم شیء بذاتش و دیگر علوم همگی حصولی و تابع معلول باشد اما این مبنا باطل است زیرا ثابت شده که علت مجرد به معلول مجرد خود قبل از ایجاد یک علم حضوری و بعد از ایجاد هم در مرتبه معلول علم حضوری دیگری دارد. (۵/۰ نمره)

۲

۱۱- با استفاده از برهان وجوب و امکان اثبات کنید که خدا مبدأ کل ممکنات است؟ ص ۱۱۶۴ س ۱-۲ نمره

جواب: هر موجودی وجود آن اصیل است و موجود یا واجب بالذات است و یا غیر واجب بالذات و غیر واجب بالذات خواه جوهر باشد و خواه عرض. عبارتی خواه ذات باشد و خواه صفت و یا فعل، دارای ماهیت ممکن بالذات است که نسبتش به وجود و عدم یکسان است و آنچه نسبتش به وجود و عدم یکسان است برای اتصاف به هر یک از دو طرف وجود و عدم نیازمند مرجعی است که به آن طرف تعیین دهد و آن را واجب و ضروری گرداند و این مرجع همان علت تامه و موجه است. نتیجه: هر ممکنی در هستی و حدوث و بقاء نیاز به علتی دارد که آن را ایجاد و ایجاد می‌کند و آن علت یا خود واجب بالذات است و یا سرانجام به واجب بالذات ختم می‌شود. (در کتاب یک برهان دیگر ذکر شده است.)

۲

۱۲- قائلین به رب النوع برای اثبات آن چگونه به قاعده امکان اشرف تمسک می‌جویند؟ ص ۱۲۲۶ س ۶-۲ نمره

جواب: طبق قاعده امکان اشرف، هرگاه شیء ممکنی تحقق یابد که کمالات وجودی او کمتر از شیء ممکن دیگری باشد آن ممکن شریف‌تر باید پیش از او موجود باشد. بی‌شک انسانی که همه کمالات انسانی آن فعلیت دارد وجودش شریف‌تر از انسان مادی‌ای است که بیشتر کمالات انسانی در او بالقوه است. پس وجود انسان مادی دلیل بر مثال عقلی انسان در مرتبه پیشین خواهد بود که تحقق یافته است به همین صورت افراد مادی. هر نوع مادی دلیل بر وجود پیشین رب النوع آن فرد است و این رب النوع در حقیقت فردی از نوع است که از آغاز وجودش مجرد بوده و همه کمالات نوع را بالفعل دارد و افراد نوع را تدبیر می‌کند. پس ارباب‌الانواع یا همان مثل افلاطونی اثبات می‌شود.